



با چه رویکردی فرهنگ مطالعه توسعه یابد؟

دکتر محمود سالاری^۱

اگر از کارشناسان امور فرهنگی سؤال شود که برای توسعه فرهنگ مطالعه چه پیشنهادی دارید؟ اکثراً با توجه به زمینه شغلی و مطالعات خود نسخه ای را می‌پیشنهند. این نسخه‌ها در جایگاه خودش ارزشمند و کارساز است ولی نسخه‌هایی برای توسعه فرهنگ مطالعه نیست. واقعیت این است که فرهنگ مطالعه متأثر از یک یا دو عامل نیست بلکه از لایه‌ها و عوامل مختلف فرهنگی جامعه تأثیر می‌پذیرد. برخی از عوامل مؤثر در فرهنگ مطالعه، از جنس ذهنی و نگرشی، برخی دیگر از جنس قواعد و ساختاری و گروه دیگر آن از نوع عناصر ظاهری و قابل مشاهده‌اند. تمامی این لایه‌ها و عناصر درونی آنها، در عین اینکه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، بر کل وضعیت فرهنگ مطالعه نیز تأثیر گذارند. بنابراین در بررسی فرهنگ مطالعه با مجموعه‌ای از عوامل، به عنوان اجزای یک نظام یا سیستم سروکار داریم. حال با این باور که فرهنگ مطالعه، مجموعه‌ای از عناصر ملموس و غیر ملموسند که با هم در تعاملند و نتیجه تأثیر و تاثرات آن عوامل است که وضعیت فرهنگ مطالعه ما را ساخته است، آیا می‌توان صرفاً به یک یا چند عامل توجه کرد؟ پاسخ روشن است که بدون در نظر گرفتن عوامل و لایه‌های مختلف فرهنگ مطالعه، نسخه یا راهکار یک بعدی و ناقص خواهد بود و نتیجه آن اثربخشی محدودی خواهد داشت. در خوشبینانه‌ترین حالت، چنین نسخه‌هایی با رویکرد مکانیکی به مطالعه، منجر به ارتقای بخشی از نظام در زمان و مکانی خاصی خواهد شد که در بلندمدت هیچ تضمینی برای توسعه و مانایی آن نیست. معمولاً راهکارهایی که در سایر پژوهش‌های این حوزه برای ارتقای فرهنگ مطالعه آمده‌راهکارهاییست که متأثر از نگاهی محدود و خرد به قضیه فرهنگ مطالعه بوده است. این نوع پژوهش‌ها هرچند می‌تواند در ارتقای فرهنگ مطالعه مفید و کارساز باشد، ولی حتی اگر در سطح وسیعی هم اجرا شود، بیشتر جنبه تبلیغی خواهد داشت و تأثیری سطحی بر اذهان خواهد گذاشت. ناگفته پیداست اثرات آنها هم زود رنگ می‌بازد.

در مجموع چنانچه پیوندهای درونی، منطقی و ساختاری میان عوامل عمده مؤثر بر فرهنگ مطالعه (نظیر نظام آموزشی، خانواده، جامعه، کتابخانه، حوزه چاپ و نشر، دولت، فناوری اطلاعات و رسانه‌های گروهی) ایجاد نشود، تحولی هم در توسعه فرهنگ مطالعه پیش نمی‌آید. فقط نگرش سیستمی به مطالعه است که می‌تواند موجبات رونق و توسعه فرهنگ مطالعه را بیافریند. چرا که نگاهی جامع به تمامی اجزای فرهنگ مطالعه دارد.

مزیت نگرش سیستمی این است که فرهنگ مطالعه را به عنوان یک «سیستم اجتماعی» در نظر می‌گیرد. در این نگرش ضمن توجه به اجزا و عناصر درونی حوزه فرهنگ مطالعه، به نظامهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز توجه دارد. با این نگرش تمامی مؤلفه‌های اصلی و فرعی و ارتباطات آنها به عنوان مجموعه‌ای که با هم در تعاملند و تأثیرگذارند توجه می‌شود. به طور مثال، به موازات ایجاد کتابخانه، به عوامل مختلف از جمله نظام آموزشی پژوهش محور نیز توجه می‌شود. پیامد بی‌توجهی به این عوامل، همانطور که در اغلب کتابخانه‌های عمومی ایران مشاهده می‌شود، باعث می‌شود مراجعان بیشتر برای مطالعه کتابهای درسی از فضای کتابخانه استفاده کنند تا مطالعه کتابهای کتابخانه. از سوی دیگر چنانچه به ارزش‌آفرینی برای ترغیب جامعه به مطالعه بدون توجه به محدودیت‌های کتابخانه‌ای بپردازیم، باعث خواهد شد شوق به مطالعه به واسطه کمبود و محدودیت‌های کتابخانه، به دلزدگی و فرار از مطالعه مبدل شود.

^۱ دکترای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و مدیر مسئول شمسه، salari1000@gmail.com



بنابر این در کنار ایجاد و توسعه کتابخانه‌ها لازم است قواعد و شرایطی وجود داشته باشد تا افراد جامعه، خود را نیازمند مطالعه بدانند؛ یعنی سازوکاری باشد که افراد برای دستیابی به مراتب علمی، اجتماعی نیازمند ارتقای آگاهی و دانش خود باشند. همان‌گونه که صرف باور جامعه به اینکه مطالعه امری مفیدی است، افراد جامعه را به افراد با مطالعه تبدیل نخواهد کرد بلکه لازم است در کنار تلاش برای ارتقای جایگاه ارزشی مطالعه در میان جامعه، قواعدی برای نفع‌رسانی برای افراد اهل مطالعه وضع شود تا این مجموعه به عنوان یک نظام، از کارایی لازم برای توسعه فرهنگ مطالعه برخوردار باشد. در مجموع انتظار می‌رود با اتخاذ رویکرد سیستمی در بلندمدت فرهنگ مطالعه توسعه‌ای متوازن (توسعه متعادل در تمامی عوامل)، همه‌جانبه (توسعه در تمامی عوامل) و پایدار (توسعه مانا و نهادینه در تمامی عوامل) را به ارمغان بیاورد.

دوره ۴ شماره ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۱

